

مهر و وطن

قدمای ما بر این باور بوده اند که عالی ترین درجه رابطه میان انسان ها، رابطه مبتنی بر «مهر» است. جوشیدن مهر میان انسان ها و آنچه که بدان تعلق خاطر دارند را نیز دارای دو منشأ می دانند. اول آن که مهر، دلیل پیوند، است. هر انسانی با آنان که پیوند سببی یا نسبی دارد، احساس مهر می کند و به آنان مهر می ورزد. چنان که والدین و فرزندان و خویشاوندان با یکدیگر چنین هستند. چنین احساسی ریشه در وجود انسان دارد و به طور معمول نیز زایل نمی شود. همین رابطه مبتنی بر مهر را می توان در سطحی گسترده تر، میان آحاد افراد یک ملت دید.

آنان که خود را «یک ملت» می دانند و به موجودیت خویش به عنوان «یک ملت» آگاهی دارند، میان خود پیوندی احساس می کنند که ناکستی است. آنان احساسات، علاقه ها، ارزش ها و آرمان های خویش را نیز مشترک می یابند. از این روست که هر ملتی، هویت و شخصیت خاص خود را دارد. آنچه که در استقرار و استحکام پیوند میان یک ملت تأثیر قاطع دارد، داشتن ریشه های مشترک تاریخی است که در واقع، گذشته و منشأ واحد آغازین یک ملت را بازگو می کند.

تاریخدانی یک ملت موجب تحکیم وحدت ملی آن می گردد. وحدتی که از اطلاع بر تاریخ حاصل می شود، ریشه های عمیق و مبنایی مستحکم دارد و به آسانی گسسته نمی شود و به آسانی در آن خللی راه نمی یابد. وحدت برخاسته از تاریخ، فراتر از مصلحت اندیشی ها و حسابگری های معمول و متعارف است. چنین وحدتی از تعالی جوویی، ترقی خواهی و بلندنگری منبعت است و از خردمندی و درایت فراوان حکایت می کند.

در همه کشورها و در میان همه ملت ها، نظر به اهمیتی که وحدت ملی و وفاق اجتماعی دارد، از راه های گوناگون در جهت تحکیم وحدت ملی، تلاش و کوشش شایسته صورت می گیرد. از آن جا که درس و علم

سخن سردبیر

۲ آموزش عالی
شماره ۱۵، سال ۵

دکتر عبدالرسول خیراندیش

arkhairandish@yahoo.com

برای نمونه رنجی را به یاد آورید که ایرانیان برای حفظ سرزمین خویش در برابر تهاجم‌های پی در پی داشته‌اند، چه خون‌ها داده‌اند و چه عزیزانی فدا کرده‌اند. همه مرزهای ما، یادگاری از شهیدی در راه وطن، و دین و ملت در خود دارند.

این سرزمین خشک، چرا و چگونه دارای آب‌های روان، باغ‌های زیبا و هنر معماری دل‌انگیز شده‌است؟ جز با کار و کوشش و تحمل سختی‌های بسیار؟ ساختن کاریزهای طولانی و عمیق در دل کویر سوزان، شکافی در دل کوه‌ها، ساختن سدها و پل‌ها همگی حکایت از عشق این مردم به سرزمینشان در طول تاریخ خویش دارد، و از رنجی که برای آبادانی آن کشیده‌اند. در همان حال، این رنج مهر وطن را در دلشان ساخته‌است. بنابراین، درس تاریخ به ما یادآور می‌شود، سرزمینی که به میراث به ما رسیده و تمدن و فرهنگ آن، حاصل تلاش نسل‌های بسیاری است. پس بر ماست که قدرشناس رنج‌ها و کوشش‌های نیاکان پر افتخار خویش باشیم و تلاش مشترک آنان را در راه کسب افتخار، عزت و سربلندی ارج نهمیم. از این طریق است که زیبایی وطن در دل و چشم فرزندان آن بیش از پیش می‌شود و برای خست هر چه بیش‌تر بدان، انگیزه پیدا می‌کنند. بدون عشق و علاقه به عام وطن، جوانان مهربانی خدمت‌بدان و فداکاری در راه آن نمی‌شوند.

درس و معلم تاریخ در کشورهای جهان برای تقویت و تعمیق علاقه‌مندی به وطن مورد توجه است و ما نیز درس تاریخ را آن‌گاه باید موفق بدانیم که عشق به میهن در دل و جان همه جوانان و نوجوانان نشسته باشد. درس تاریخ باید معلم ما در عشق ورزیدن به هم‌نوع، احترام به دیگران و آموختن روش همزیستی با آنان باشد. عشق به میهن به ما می‌آموزد، همچنان که ما برای حفظ میهن خویش می‌کوشیم، دیگران نیز سرزمین خویش را دوست دارند. لذا شایسته احترام هستند و این خود راهگشای فرهنگ صلح است.

تاریخ تأثیر به‌سزایی در این امر دارد، از این علم نیز نهایت استفاده را در این منظور به عمل می‌آورند.

با چنین نگرشی، تاریخ ایران مانند درخت کهنسال و تناوری است که همه ایرانیان چونان شاخ و برگ آن به شمار می‌آیند و اگر چه هر برگی و شاخی از این درخت رنگ و شکل خاص خود را دارد، اما همه بربیک ساقه و ریشه قرار دارند.

بنابراین بر ماست که با بهره‌گیری از درس و علم تاریخ و شناخت رسالت سرنوشت‌ساز خود به عنوان معلم تاریخ، در تحکیم و تقویت وحدت ملی بکوشیم. در واقع، تاریخ ایران میراث گرانبهایی است که به همین منظور به دست ما رسیده‌است. درس تاریخ آن‌گاه مفید، مؤثر و موفق است که مهر میان فرزندان و خلق را افزون و فرهنگ احترام و افتخار و اتحاد را میان آنان بیش‌تر کند.

دومین منشأ مهر «رنج» است. هر انسانی، آنچه را که با سعی و تلاش و رنج و زحمت به دست آورده‌است، عزیز می‌دارد و بدان مهر می‌ورزد، همچون: خانه‌ای را که ساخته، علمی را که آموخته، ثروتی را که اندوخته، دوستانی را که به دست آورده، گنجی را که یافته، و ... همه این‌ها را چون حاصل رنج و مشقت هستند، چونان جان خویش دوست می‌دارد و در حفظ آن‌ها می‌کوشد. در واقع، برخلاف آن‌که باد آورده را باد می‌برد، آنچه حاصل رنج و کوشش است، مهری در دل ایجاد می‌کند که هیچ‌گاه زایل نمی‌شود.

هر ملتی چون به تاریخ خویش بنگرد، نیک در خواهد یافت، سرزمینی را که به عنوان وطن داراست، حاصل چه رنج و کوششی بوده‌است. تاریخ بازگوکننده غصه‌های فراوان و اندوه بسیاری است که نیاکان ما برای حفظ این آب و خاک متحمل شده‌اند. در همان حال، تاریخ یادآور لحظه‌های بهجت و سروری است که دفاع پیروزمندانه برای حفظ میهن و حفظ جان و مال و ناموس به دنبال داشته‌است.